

# جریان های سکولار در آیین یهود

لیزا ریچلن - ترجمه سبحان رضایی

تاریخ گروه‌ها و جمعیت‌های دینی در اسرائیل از تاریخ صهیونیست‌ها کاملاً جداست. پیش از تاسیس دولت و همزمان با نزدیک شدن این تصور به واقعیت، میان یهودیان بحث‌ها و منازعاتی مفصل بر سر اینکه آیا تشکیل دولت یهودی شرعی است یا خیر، در کشورهای بومی آن‌ها به‌وجود آمد. یهودیان مذهبی مشاهده می‌کردند که دولت به عنوان نهاد اصلی توسط یهودیان غیرمذهبی در حال تاسیس است و آن‌ها تنها برای مشروعیت بخشی به کارهایشان از سمبل‌های یهودی استفاده می‌کنند. بر همین اساس برخی از آن‌ها احساس می‌کردند که شکل‌گیری دولت با ماهیتی سکولار و عدم تطابقش با دستورات الهی و مخصوصاً توجه آن با سمبل‌ها و نمادهای دینی، امری کفرآمیز و مخالف خواست خداست. با این حال، آن‌ها نمی‌توانستند صهیونیست‌ها را کاملاً نادیده بگیرند و در واقع برای تأمین بودجه نهادهایشان به آن‌ها نیاز داشتند. سرانجام یهودیان ارتدوکس افراطی، به عنوان پاسخی به تهدیدهای جانی که در اروپا و فلسطین برای‌شان وجود داشت و همچنین ضرورت کسب منافع اقتصادی و سیاسی دولت یهودی، تصمیم گرفتند که در برخی از موارد با صهیونیست‌ها همکاری کنند. آن‌ها همان گروهی هستند که امروز به هاردیم<sup>(۱)</sup> معروفند.

گروه‌های دیگر یهودی نیز همراه با جنبش صهیونیسم باقی ماندند، چرا که آن‌ها به هیچ وجه با اهداف سیاسی دولت مشکلی نداشتند و تنها اهداف مذهبی، مورد توجه آن‌ها بود. صهیونیست‌ها نیز تضمین کرده بودند که حداقل تقاضاهای مذهبی در دولت نوظهور اسرائیل پاسخ داده شود، به همین دلیل تصور آن‌ها این بود که ضرورت‌های اجتماعی دین را می‌توانند در همکاری نزدیک با صهیونیست‌ها تأمین کنند. از طرف دیگر، کسانی هم که مشروعیت دولت را بر اساس خلق یک ایدئولوژی به رسمیت می‌شناختند، از این موضع، پشتیبانی مذهبی کردند.



هستند، خود را با واقعیات زندگی مدرن، وفق می‌دهند. اگرچه این دو گروه، در برخی از جنبه‌های اساسی، همانند اقلیت‌هایی در کشور مبدأ خویش از هم فاصله می‌گیرند اما همواره به دنبال راهی در ایجاد نوعی وحدت هستند.

اما در اسرائیل، جمعیت یهودیان سکولار، بازتابی از ریشه‌های ضددینی و قوی صهیونیستی مهاجران اولیه اسرائیل از اروپای شرقی است. اگرچه این یهودیان بسیاری از وجوه یهودیت را کنار گذاشته بودند، اما همواره سعی داشتند که ارتباطی قوی با سمبل‌های یهودی و رسوم دینی که بازتاب تربیت مذهبی والدینشان بوده، برقرار کنند. برای تقویت تصویر یهود نوین، که جامعه جدید یهودی را خواهد ساخت، این سمبل‌های سنتی به سمبل‌های صهیونیستی بدل شدند. از طرف دیگر از این سمبل‌ها برای ایجاد وحدت و یگانگی بین شهروندان دولت یهودی و همچنین تزیین و القاء آهسته‌غرور ملی در آن‌ها استفاده گردید. بر همین اساس آن‌ها سعی و تلاش‌هایشان را حتی آن زمان که به مسائل و نیازهای منحصر به فرد امروز می‌پرداختند، کوششی در ادامه تاریخ یهود، تلقی می‌کردند. این گرایش تاریخی، فرهنگی زمینه و بستر لازم را برای ایجاد فرهنگی ملی که در اسرائیل امروز نمایان است، پدید آورد. هر چند باید همواره به یاد داشت که چنین سمبل‌هایی از موضع انکار دین بیرون آمدند.

یهودانی که از نقاط دیگر دنیا، مخصوصاً از کشورهای یهودی که جریان لیبرال یهودی غلبه دارد به اسرائیل می‌آیند، از برخورد با گروه‌های گوناگون یهودی متحیر می‌شوند. این مقاله می‌خواهد به معرفی این گروه‌ها و جمعیت‌های مختلف دینی در اسرائیل بپردازد و در راه نیل به این هدف، سعی خواهد کرد که برای خواننده، کمی از بستر تاریخی و بافت فعلی آن‌ها نیز بگوید.

## بستر تاریخی

اصولاً تفکیک و جدایی بین یهودیان دیندار و سکولار از زمان شکل‌گیری جنبش روشنفکری یهود (هاسکالا)<sup>(۲)</sup> در قرن نوزدهم شروع شد. تا آن زمان، یهودیان اروپا به گونه‌ای تقریباً مشابه زندگی کرده بودند. اما عصر مدرن، اختلافات و تفرقه‌هایی در میانشان ایجاد کرد. بسیاری از آن‌ها، احساس می‌کردند اکنون زمان آن رسیده که ارزش‌های کهن و پیشامدرن خود را کنار گذارند و بتوانند با حقوق و مسئولیت‌های برابر با دیگران، زندگی شهروندی خویش را بسازند. در مقابل، برخی از یهودیان قائل به نگه داشتن طریق سنتی و حفظ پیش‌زمینه و هویت دینی خود بودند. البته حتی آن‌ها که می‌خواستند، راه جدیدی برای زندگی خود فراهم آورند هم برخی از جنبه‌های اصلاح شده هویت یهودی را حفظ می‌کنند. همچنین کسانی که خواستار نگهداشت سنت دینی

اگرچه در طول سال‌های اولیه تشکیل دولت، صهیونیسم ملهم از یهودیت سنتی بود، اما به عنوان نوعی جایگزین برای معنویت عمل می‌کرد. یک دین شهری، به جای یهودیت سنتی بدل به طریقی می‌شد که یهودیان سکولار (تقریباً ۸۰ درصد از اسرائیلی‌ها را می‌توان در این دسته قرار داد) ماهیت خود را وابسته به آن تعریف می‌کردند. اگرچه چنین تفکری از یهودیت الهام گرفته بود، اما درحقیقت، دین شهری عاری از محتوای یهودی بود. به همین ترتیب نسل‌های بعدی یهودیان سکولار هم بیشتر و بیشتر از معارف سنت یهود همچون کتب آداب و رسوم و هالوفا (قانون یهود)<sup>(۴)</sup> دور می‌گشتند. از آنجایی که یهودیت شهری شده، گفتار غالب دین در حیات اجتماعی اسرائیل بود، یهودیان سکولار بجز مسائلی که تحت قانون اسرائیل قرار داشت (همانند ازدواج، حلاق و مرگ) معمولاً دیگر ارتباطی با یهودیان مذهبی یا اشکال مذهبی یهودیت نداشتند.

اما این اواخر، فرهنگ سکولار، نارسایی خاصی را در دین شهری خویش احساس کرد. اسرائیلی‌ها متوجه شدند که صهیونیسم به عنوان جنبشی ملی، قادر به ارضاء نیاز معنویت آن‌ها نیست و نمی‌تواند پاسخگوی سوالات عمیق ایدئولوژیکی آن‌ها باشد. ایدئولوژی کهن ساخت دولت، مهاجران را در خود جذب می‌کرد و باعث می‌شد آن‌ها، ارتباط خاصی با اجتماع بیابند و در میان جامعه یک باور جمعی<sup>(۵)</sup> را نسبت به هدف و حرکت در گذرگاه آن، پدید می‌آورد، مخصوصاً در شرایطی که جنگ‌ها و درگیری‌های اسرائیل طولانی شده و محبوبیت و مقبولیت خارجی آن به شدت افت کرده بود. ولی کمبود معرفت دینی و ماهیت آشفته سیاست دین یهودی، بازگشت به دین و تداعی این گزینه جاودان را برای اکثر اسرائیلیان سکولار پدید نیاورد. در غیبت یهودیت و ایدئولوژی تحمیلی، مولفه‌هایی چون جهانی‌سازی، سکولاریسم و فردگرایی به کار گرفته شدند.

در برابر چنین مسئله‌ای، مردم به صورت‌های مختلفی پاسخ دادند. در دهه هفتاد برخی از شخصیت‌های سکولار و مشهور اسرائیلی به دین رجوع کردند (هرچند تعداد کسانی که سکولار شدند به مراتب بیشتر بود). بسیاری هم خود را وارد جنبش‌های سیاسی (که اکثراً به چپ گرایش داشت) کردند. برخی دیگر نیز به دنبال کسب فضائل معنوی به هند و شرق دور سفر کردند. اقلیت کوچکی از اسرائیلی‌ها هم به دنبال سوالاتشان دوباره به یهودیت بازگشتند.

اما آن‌ها هرگز به سنت ارتدکسی که به صورت نوعی عقب‌گرد و اجبار تلقی می‌شد، رجوع نکردند، بلکه در عوض ارتباط و نسبتی جدید با منابع سنتی خویش خلق کردند. برخی از این یهودیان، حرکت اصلاحی و محافظه‌کارانه را برای ارضاء نیازهایشان برگزیدند. دیگران نیز دست به ایجاد گروه‌های مطالعاتی زدند تا بتوانند به نیازها و همچنین حفظ سازگاری با سیستم اعتقادی خود به تعریف دوباره منابع، سنت‌ها و آداب و رسوم بپردازند. من معتقدم در آینده‌ای نزدیک این گروه به رشد و گسترش زیادی دست خواهد یافت.

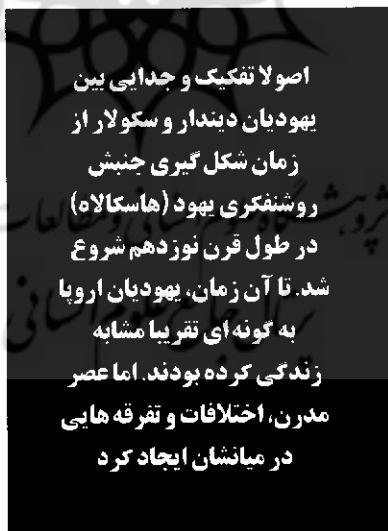
البته اکثر اعضای هیولونیم، هیچ کدام از این راه‌ها را برنگزیده‌اند. آن‌ها برخی از گونه‌های دین شهری را

همچنان حفظ خواهند کرد و مشارکت در نظام جهانی را هم ادامه خواهند داد و تا آن‌جایی پیش خواهند رفت که در جریان اصلی رسانه‌های اسرائیل، به صورت نمونه تام این کشور درآیند.

**داتی لئومی<sup>(۶)</sup>**

مینای ایدئولوژیکی تفکر ملی-مذهبی<sup>(۷)</sup> یهود تا حد زیادی توسط راو کوک<sup>(۸)</sup> و درس‌های او پایه‌گذاری شد. او آن بخشی از ایدئولوژی صهیونیسم را که به ارزش‌های مذهبی، همچون اهمیت کار و کوشش زیاد، خلاقیت و شجاعت در پایه‌گذاری دولت می‌پرداخت، تصدیق کرد. با این حال، او یک گام هم از این فراتر رفت و این ارزش‌ها را مقدس جلوه داد و اظهار داشت که بهره‌مند بودن از چنین ارزش‌هایی، فرد را به رستگاری می‌رساند. به خاطر این تلاش‌ها بود که در اسرائیل، حتی تعطیلات ملی به ویژه روز استقلال اسرائیل، از تقدس بالایی برخوردار شدند و برای یهودیان دیندار ملی، چنین تعطیلاتی همچون اعیاد مذهبی اهمیت پیدا کرد. این امر به آن‌ها گوشزد می‌کرد که کجا زندگی می‌کنند، که وطنشان علی‌رغم ظاهر سکولارش، عمیقاً با محتوای مذهبی یهود درآمیخته است.

در پی تصرف مناطق جویدیا<sup>(۹)</sup> و سامریا<sup>(۱۰)</sup> (کرانه باختری) در ۱۹۶۷، یکی از شاخه‌های این گروه، گسترش یافت. راو زوی یهودنار کوک<sup>(۱۱)</sup> فرزند راو کوک در کنار پیروانش، این اتفاقات را به عنوان نشانه‌ای از ظهور مسیح تفسیر کرد. آن‌ها چنین مفهوم دینی را با توسعه حوزه قلمت یهودیان از سرزمین اصلی اسرائیل و پوشش این مناطق نازه تصرف شده و همچنین



تشکیل اسرائیل بر مبنای مرزهای کتاب مقدس گره زدند. از میان سه ارزش سنتی این گروه یعنی تورات، مردم اسرائیل و سرزمین اسرائیل با مرزهای کتاب مقدس، سرزمین به بالاترین درجه اهمیت رسیده بود. پیام‌های او برخلاف سخنان پدرش کمتر جنبه جهانی داشت و بیشتر رویکردی خاص را نشان می‌داد. آن‌ها بر ماهیت ممتاز یهودیان در ملت یهود و همچنین نیازهای یهودیان در زمانه کنونی به جای نقششان در دنیای کنونی تأکید می‌ورزیدند. آن روز دیگر اسکان و شهرک‌سازی یک مسئله مذهبی بود، که این امر خود به دورانی از شهرک‌سازی اسرائیل در کرانه باختری و

نوار غزه منجر شد. به همین دلیل مومنان این ایدئولوژی، به عنوان شهرک‌نشینان آرمانی یا صهیونیست‌های ملی‌گرا تعبیر می‌شدند.

علاوه بر این، چنین گروه‌هایی هم کاملاً در زندگی کشور خود غرق شده بودند و هم به کلی از آن مجزا بودند. آن‌ها در ارتش خدمت می‌کردند، به دانشگاه می‌رفتند، با یهودیان سکولار همکار می‌شدند و اغلب اوقات در کنار رابطه‌ای نزدیک با همسایگانشان زندگی می‌کردند.

با این همه، فرزندانشان به مدارس خاصی می‌رفتند و در مجموع روش و جهت‌گیری زندگیشان (که مشتمل بر هالاکیک<sup>(۱۲)</sup> و رعایت کاشروت<sup>(۱۳)</sup> و شابات<sup>(۱۴)</sup> نیز می‌شد) مرزی بین آن‌ها و دیگران، ترسیم می‌کرد. ایدئولوژی خاص این گروه و ضرورت حفظ فعالیت‌های مذهبی، از اینکه آن‌ها خود را از مابقی اسرائیل جدا احساس کنند جلوگیری می‌کرد. اما به هر صورت اگرچه وضعیت آن‌ها جزئی از فرهنگ اسرائیل قرار می‌گرفت، اما همواره جایگاهی متمایز داشتند.

اما در سال‌های اخیر، یهودیان ملی-مذهبی با مشکلات و چالش‌های زیادی روبه‌رو شدند. در واقع آنچه در برابر آن‌ها بود، کنش ذاتی بود که بین زندگی مذهبی و تحت دولتی یهودی با مشارکت و حرکت در فرهنگی سکولار به وجود می‌آورد. این برخورد و ضرورت انتخاب یکی یا دیگری، اغلب به موقعبت ناخوشایندی منجر می‌گشت. در سال‌های اولیه تشکیل دولت، آن‌ها خود را همچون پلی بین مذهب و سکولاریسم تصور می‌کردند و در عین حضور در شرایط مدرن و دموکراتیک، برای خویش نقش منحصر به فردی در هدایت راهی میانه‌رو قائل بودند. همان طور که تنش‌ها بین دین و سکولاریسم بالا می‌گرفته، صحنه به گونه‌ای به نظر می‌آمد که چنین وظیفه تاریخی و بی‌ظنبری کم‌کم از دست این گروه خارج می‌شود. علاوه بر این، آن‌ها پیش از این هم امیدوار بودند که تأثیری ایدئولوژیکی بر یهودیان سکولار بگذارند و آن‌ها را به یهودیت بازگردانند. اما با همه این‌ها، در عوض خودشان نیز گواه بودند که سکولاریسم به مراتب پیشرفت بیشتری کرده بود. آن‌ها از طرفی در فرهنگ سکولار کاملاً پذیرفته نشدند و از طرف دیگر هم مورد اتهامات هاردیم قرار گرفتند که به قدر کافی مذهبی نیستند. چنین تزلزلی که در مشروعیت دیدگاه‌های ایدئولوژیکی آنان به وجود آمد، در کنار شدت انتقادات علیه آنها و همچنین فقدان پذیرش اجتماعی از جانب گروه‌های دیگر باعث شد که بسیاری از آن‌ها به دنبال رویکرد ایدئولوژیکی تحمیلی‌تر باشند. همین امر به پذیرش عقاید و دیدگاه‌های افراطی‌تر دینی و سیاسی انجامید. بر همین اساس منطقی بود که بخش اعظم این گروه، همچنان به مسیر خود ادامه دهند و همانند هم‌کیشان سکولارشان، روش خود را حفظ کنند.

**هاردیم<sup>(۱۵)</sup>**

هاردیم از آغاز، مشروعیت دولت اسرائیل را زیر سوال برد و معتقد بود که تنها خدا می‌تواند دولت حقیقی یهود را بازگرداند. آن‌ها نمی‌توانستند بپذیرند که یهودیان سکولار خود دست به تاسیس دولت یهودی بزنند و آنگاه بخواهند مشروعیتش را از خدا و یهودیت بگیرند. با وجود چنین رد و انکار شدیدی بر مبنای

ایدئولوژیکی دولت، اما در عمل، اکثر اعضای هاردیم دولت را قابل قبول یافتند. چنین تناقضی به این واقعیت برمیگشت که تمام بودجه اندک مؤسسات آن‌ها را دولت پرداخت می‌کرد. بر همین اساس گفته می‌شد که ارتباط و نسبت آن‌ها با دولت کاملاً حالتی ابزاری داشته و تنها به منظور رفع احتیاجات و نیازهای جوامع و نهادهایشان صورت می‌گیرد.

همچنین هاردیم به تفسیری افراط‌گرایانه از قانون یهود قائل است. چنین تفسیر سخت و دقیقی به کلی بر اعتقادات و مسیر زندگی‌شان حاکم است و سبب تفکیک کامل آن‌ها از دیگر گروه‌های جامعه اسرائیل می‌شود. حتی آن‌ها دارای مدارسی جداگانه هستند و تنها با مردمی همچون خودشان مراوده دارند. آن‌ها هرگز در فعالیتی همچون خدمت در ارتش یا حضور در یک تیم شغلی، شرکت نمی‌کنند که مجبور به تماس با دنیای سکولار گردند.

از طرف دیگر آن‌ها بر تفاوت و جدایی اجتماعشان از جهان خارج تأکید بسیاری می‌ورزند، ولی باید در نظر داشت که آنچه در مورد آن‌ها کمتر مورد توجه و در عین حال تهدیدآمیزتر است، نفوذ جهان خارج است. به همین دلیل طعمه سکولاریزم که پیش پای‌شان افتاده، سبب می‌شود که دقیق‌تر به محافظت و نگهداری از اجتماع خود بپردازند.

در طول سال‌های اولیه تشکیل دولت، روابط از طریق مولفه‌ای که آن‌ها را "موضوع توافقات" می‌نامیدند، پیش می‌رفت. در عوض حمایت و پشتیبانی آن‌ها از دولت در حال تأسیس، سبب شد که دولت اجزای برخی از مسائل دینی همچون رعایت مراسم روز شبت را تضمین کند. همچنین دولت موافقت کرد که چندصد تن از محققان برجسته تورات (البته امروز تعدادشان به چندده نفر رسیده است) که در یسویا<sup>(۱۴)</sup> برای بازسازی مطالعات و تحقیقات یهودی- بعد از تخریبش در ماجرای هولوکاست- تحصیل می‌کنند از معافیت نظامی برخوردار شوند. کم و بیش این توافقات تا دهه هفتاد پابرجا بود. اما دو تغییر عمده سبب شد که چنین موافقت‌هایی از رده خارج گردند. عامل اول، تضعیف و تقلیل آگاهی و معرفت اسرائیلیان سکولار از یهودیت بود که به تقویت نظرات جنبش هاردیم در تداوم مسائل مشروعیت دینی ماهیت دولت انجامید. اما علت دیگر، مشارکت آن‌ها در حیات سیاسی دولت بود. چنین مشارکتی به محدودساختن مسائل داخلی همچون تأمین بودجه مؤسسات و حوزه‌هایی انجامید که نظر

رسمی اسرائیل را در تفسیر قانون یهود شکل می‌دادند. با این حال، همه چیز در سرزمین هاردیم خیلی خوب نبود. همانند دیگر گروه‌های یهودی در اسرائیل، آن‌ها نیز با انتقادات زیادی روبرو شدند. اصولاً این امر به دو عامل برمیگشت: تنفر و بیزاری از دیگر اسرائیلیان و ورشکستگی اقتصادی. از آنجایی که اکثریت اعضای هاردیم در ارتش خدمت نمی‌کردند و یا مشارکت کاملی در نیروهای کار نداشتند و در عوض از طرف دولت یا کمک‌های مردمی پشتیبانی می‌شدند، در حین آموزش خود، تنفر نسبت به دیگر یهودیان (که هم در ارتش خدمت می‌کردند و هم مالیات می‌پرداختند) را هم کسب می‌کردند. بودجه مؤسسات و نهادهای آن‌ها (و با واسطه بودجه زندگی اعضای گروه) که از طرف دولت پرداخت می‌شد به هیچ وجه تأمین‌کننده نیازها و هزینه‌های آن‌ها نبود. به همین دلیل اکثر اعضای گروه در داخل کشور در فقری تحقیرآمیز زندگی می‌کردند. به همین دلیل بود که تغییرات عمده‌ای در میان آن‌ها صورت گرفت.

در سال‌های اخیر، هاردیم برخلاف خواستش، مجبور شد در اکثر "فعالیت‌های سکولار" مشارکت داشته باشد. ابتدا چندین گروه از این جنبش وارد ارتش شدند. بسیاری از اعضای آن، چه مرد و چه زن هم برای آموختن مهارت‌های شغلی برای ورود به کار، وارد کالج‌های هاردیم شدند. جریان انتفاضه نیز دلیل دیگری بر وجود سرنوشت مشترکی داشت که آن‌ها را با بقیه اسرائیل پیوند می‌داد. به نظر می‌رسد با گذشت زمان، این گرایش‌ها قوی‌تر و قابل قبول‌تر خواهد شد.

### ماسورا تیم

گروه‌هایی که در بالا معرفی شدند زیرمجموعه‌هایی از یهودیان اشکنازی<sup>(۱۵)</sup> هستند. با این وجود، آن‌ها تنها نیمی از جمعیت یهودی اسرائیل را تشکیل می‌دهند. یهودیان میزراحی<sup>(۱۶)</sup> که از کشورهای خاورمیانه‌ای همچون مراکش، شمال آفریقا، یمن و عراق به اسرائیل مهاجرت کردند، تشکیل دهنده نیمه دیگر هستند. اما به هرصورت در شرایط کنونی، این یهودیان نیز به دو جنبش هیلونی و هاردیم گرایش می‌یابند.

واژه مازورانی (که در عبری به مفهوم "سنتی" است) به خوبی معرف تمایلات دینی این گروه است. رفتار قالبی یهودیان مازورانی بدین صورت است که صبح روزهای شنبه به کنیسه می‌روند و بعدازظهرش هم به مسابقه فوتبال. از طرف دیگر آن‌ها سنت‌های بسیاری را پاس می‌دارند، همچون آویزان کردن یک مازوز<sup>(۱۷)</sup>

روی در هایشان، رفتن به کنیسه و رعایت قواعد شرع یهود در خوردن. البته آن‌ها در عمل نسبت به هالوفا (قانون یهود) سختگیری چندانی ندارند. اما در ورود آن‌ها به محبیطی که اشکال گوناگونی از یهودیان اشکنازی حضور دارند، حفظ راه میانه چندان مشروعیتی ندارد. در نتیجه دو گرایش پدید می‌آید که امروز نیز همان‌ها در جامعه اسرائیل موجود است. گروه اندکی از آن‌ها بدل به ارتدوکس‌های افراطی می‌شوند (که محبوبیت حزب سیاسی "شاس"<sup>(۱۸)</sup> نمایانگر آن است). با این همه، اکثریت یهودیان میزراحی تا حد زیادی سکولار می‌شوند.

در مجموع به نظر می‌رسد چنین گرایش‌هایی در آینده نیز ادامه یابند.

### جنبش‌های محافظه کارانه و اصلاح طلبانه در اسرائیل

باید توجه داشت که نه جنبش محافظه کاران و نه حرکت اصلاحات هیچ کدام در اسرائیل پایه‌گذاری نشدند و در سال‌های اولیه تأسیس نیز پیروان اصلی‌شان در میان مهاجران اسرائیل نبودند. همان طور که در بالا اشاره شد، مهاجران یهودی که از سمت خاورمیانه آمدند یا ارتدوکس‌های افراطی و یا سکولارهای سرسختی بودند. بنابراین آن‌ها نمی‌توانستند چنین جنبش‌هایی را به وجود آورند و از طرف دیگر این حرکت‌ها هم هیچ کدام معطوف به نیازهای آن‌ها پدید نیامده‌اند. امروز نیز، این مسئله همچنان مورد قبول است.

پیروان اصلی جنبش یهودیت اصلاح طلبانه یا محافظه کارانه، مهاجران اخیر هستند که تازه به کشور اسرائیل نقل مکان کرده‌اند. پیش از این، آن‌ها با چنین سنت‌هایی در دل کشور بومی خود رشد کرده‌اند. به همین دلیل است که اندکی از آن‌ها هنوز باقی مانده‌اند. آن‌ها برای رشد و تأثیر بیشتر خود سعی خواهند کرد که اسرائیلی بودن خویش را نمایان‌تر سازند. در این میان، تنها ترکیبی از یهودیان سکولار (همان‌گونه که در بالا گفته شد) و یهودیت اصلاح طلبانه و محافظه کارانه که واقعیات امروز اسرائیل را می‌پذیرد، می‌تواند به اهدافی والا دست پیدا کند. در آخر باید بگویم که اگرچه به نظر می‌رسد جنبش اصلاحات گام‌های بزرگی در این مسیر برداشته، اما گمان نمی‌کنیم به این زودی‌ها تغییر و تحول خاصی در میان آن‌ها رخ دهد.

پی نوشت‌ها:

همچنین در ضرورت آماده‌سازی ویژه خوراکی‌های دیگر اظهار شده است.  
 ۱۴- Shabbat روزی است که یهودیان در آن از ابتدای مغرب تا شبانگام به عبادت و استراحت می‌پردازند. تعیین این روز به یکی از آیات اولیه عهد عتیق در کتاب آفرینش بازمی‌گردد: و شام بود و صبح بود، روز اول (۵:۱)  
 ۱۵-Haredim  
 ۱۶-Yeshivot نام مدارس یهودی است که قرن‌هاست به آموزش تلمود، کتاب مقدس و تفاسیر دینی می‌پردازد و با استفاده از منابع و سنن مقدس، تنظیم زندگی مذهبی یهودیان را انجام می‌دهند.  
 ۱۷-Masoratim  
 ۱۸-Ashkenazijews  
 ۱۹-Mizrachi jews  
 ۲۰-Mezuzah طوماری از جنس پوست است که در یک طرفش، آیاتی از کتاب مقدس و در طرف دیگر واژه شادایی (Shaddai) که نامی از نام‌های خداست، نوشته شده است.  
 ۲۱-Shas نام یکی از احزاب سیاسی اسرائیل است که دارای گرایش‌های ارتدوکس افراطی در مذهب است. این حزب در ۱۹۸۴ توسط اعضای مخالف یهودیان اشکنازی (یهودیان دارای ریشه اروپایی) تأسیس گردید.

- 1- Haskalah
- 2- Haredim
- 3- Hilonim

۴- Halacha مجموعه قوانین و دستورات دینی است که در مورد زندگی روزمره یهودیان وارد شده است. این مجموعه از قوانین پنتاتوک (پنج کتاب اول عهد عتیق) جداسد و مشتمل بر دستورات شفاهی است.

- 5- Common Sense
- 6- Dati Leumi
- 7- National Religious
- 8- Rav Kook
- 9- Judaea
- 10-Sameria
- 11-Rav Zvi Yehuda Kook
- 12-Halachic

۱۳- Kashrut قواعد و دستوراتی که در یهودیت برای ممنوعیت برخی از مواد غذایی و